

# نقش شرکت های دانش بنیان بر مدیریت کسب و کار

سمیرا دالوندی<sup>۱</sup>

۱- مسئول واحد خدمات فنی تخصصی پارک علم و فناوری لرستان Samira.lvd@gmail.com

## چکیده:

در عصر جهانی حاضر، یکی از ارکان اصلی رشد و توسعه پایدار در هر کشوری، رونق و شکوفایی موسسات دانش بنیان است. شرکت ها و موسسات بزرگ همواره نقش مهمی در اقتصاد خواهند داشت. شرکت های دانش بنیان هم به عنوان رقیب و هم به عنوان الگو باعث می شوند که بتدریج دانش در پیکره شرکت های بزرگ نفوذ کند و طعم و عطر دانش در عملکرد و محصولاتشان دیده شود. در کشور ما نیز اخیراً توجه زیادی به این بخش شده است اما نکته بسیار مهم نبود یک تعریف مشخص از شرکت های دانش بنیان و هم چنین اجرایی نشدن قوانین تصویب شده و بسته های حمایتی دولت برای این شرکت ها است. شکل اشتغال در کشور در حال تغییر است و باید متناسب با نیروی ورودی به بازار کار باشد. در جوامع امروزی باتوجه به سرعت تغییرات و پیچیدگی محیط کسب و کار، دانش به یک منبع کلیدی تبدیل شده و به عنوان دارایی حیاتی جهت کسب مزیت رقابتی به شمار می آید. در این فضا بانک ها نیازمند استفاده از دانش بوده و مستعد پیاده سازی برنامه های مرتبط با مدیریت دانش می باشند. هدف مقاله حاضر نقش شرکت های دانش بنیان بر چگونگی داشتن مدیریت کسب و کار می باشد.

**کلمات کلیدی:** مدیریت دانش، شرکت های دانش بنیان، مدیریت کسب و کار

دانش شناخته شده و اصطلاحاً شرکت های دانش بنیان نامیده می شوند و عاملی حیاتی برای توسعه اقتصادی در یک کشور هستند (اکبرزاده، شفیعی زاده، ۱۳۹۱). در واقع این شرکت ها موتور رشد و توسعه محسوب می شوند. روند رو به افزایش توجه به کار آفرینی در ایران و نقش پر رنگ شرکت های دانش بنیان در انتقال دانش و فنوری، اهمیت روز افزون شرکت های دانشگاهی را تمایل می کند. توجه به تشکیل و رشد شرکت های دانش بنیان در آینده توسعه صنعتی و افزایش درآمد زایی دانشگاه ها در ایران موضوع مهمی است. در صورت نهادینه شدن تشکیل شرکت های دانشگاهی و دانش بنیان، علاوه بر اینکه با فراهم شدن بسترهای لازم فرصت های کار آفرینی از دست نخواهند رفت، بلکه حقوق قانونی دانشگاه ها در ارتباط با دارایی فکری حاصل از آنها احیا خواهد شد و منبع درآمد جدیدی برای آنها ایجاد می شود و در عین حال فرصت های تحقیق و تویعه نیز برای دانشگاه ها فراهم می گردد. در ایران رشد تعداد موسسات آموزشی و پژوهشی و تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان تحصیلات

## ۱- مقدمه

عصر حاضر شاهد تحولات عظیمی در نظام های دانشگاهی به منظور همسویی هر چه بیشتر آنها با فرآیند توسعه اقتصادی بومی، منطقه ای و بین المللی است (اللهیاری فرد، ۱۳۹۰). لذا رویکرد حاکم بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی، رویکردی نیازگرا در تعامل با سازمان های پیرامونی دانشگاه محسوب می شود این تعامل و کنش متقابل محیط های دانشگاهی با بنگاه های اقتصادی و سازمان های بیرونی، چنانچه سازمان یافته و با ساز و کارهای اثربخش همراه باشد، حاصلی جز اشتغال زایی، بهره وری بیشتر از منابع انسانی و غیر انسانی و رفاه به دنبال نخواهد داشت. در دنیای پر تحول امروز، زیر بنای اقتصادی صنعتی، از محوریت منابع به سمت محوریت سرمایه های فکری جا به جا شده و به همین دلیل عامل دانش به صورت روز افزون پر اهمیت تر می شود. در چنین شرایطی شکل جدیدی از سازمان ها مورد نیاز است (حمیدی زاده، ۱۳۸۷). سازمان هایی که به عنوان سامانه های مبتنی بر